



## در مورد شهدای ایرانی در قرهباغ حداقل بنای یادبودی در خیابان شهدا ساخته شود

مستند آرازین دایاز گونی «روز کم آب ارس» به کارگردانی محسن هادی، مستندساز تبریزی که درباره علل واقعی جنگ قرهباغ، فاجعه خوجالی و شهدای ایرانی قرهباغ با مستندات دقیق ساخته شده است، در تبریز به نمایش درآمد.

به گزارش آران نیوز به نقل از خبرگزاری فارس \_ «من جامعه‌شناسی خوندم، همیشه روی موضوع جامعه‌شناسی شهری و جامعه‌شناسی اقوام به خصوص بحث نژادپرستی مطالعات زیادی داشتم، این مسئله را در مستندسازی لحاظ کرده‌ام و زمانی که می‌خواستم وارد عرصه ساخت این مستند شوم سؤالی در ذهن من ایجاد شد، آیا طرف حساب من کلمه‌ای به نام ارمنی یا دولتی به نام ارمنستان و یا گرایش خاصی در دولت ارمنستان است؟! اینها مهم بوده و ما نمی‌توانیم یک فاجعه را به همه ارمنی‌ها تعمیم بدیم؛ ارمنی نام یک قوم است که در آن خوب و بد و تندرو و میانه رو یا ستیزه جو و صلحطلب، وجود دارد مانند همه اقوام و گروه های انسانی؛ بالاخره من به عنوان محصل جامعه‌شناسی نمی‌توانستم این تعمیم‌های شتابزده را تکرار کنم و بگویم ارمنی چنین و چنان! این اشتباهات متأسفانه در دنیا رایج است و یکی از مصادق نژادپرستی است، درحالی‌که من راوی هستم و آنچه را که می‌بینم ارائه می‌دهم و اسنادی را نشان می‌دهم که همه سازمان‌های بین‌المللی آن را تأیید می‌کنند...»

این‌ها بخشی از یک گفت‌وگو صمیمانه با مستندساز خوش‌ذوق شهرمان محسن هادی هست، که با ساخت مستند ۷۰ دقیقه‌ای به نام «آرازین دایاز گونی» یا «روز کم آب ارس» به زبان آذربایجانی حقایق از دوران جنگ قرهباغ را به تصویر کشیده است، که این روزها در رسانه‌های جمهوری آذربایجان به آن پرداخت می‌شود. این مستند ۷۰ دقیقه‌ای روایتی است از شهدای ایرانی قرهباغ، کمک‌های بشردوستانه ایران به جمهوری آذربایجان، روایت شاهدان عینی از فاجعه «خوجالی»، حوادث «زنگیلان»، رنج‌ها و دردهای آوارگان جنگی آذربایجانی که بر اثر جنگ قرهباغ ناگزیر به ترک خانه و کاشانه خود شدند.

این فیلم مستند به اشغال مناطق خوجالی، شوشا، آغدام، و دیگر شهرهای اطراف و قتل‌عام مردم این منطقه می‌پردازد. در سال ۱۳۷۲ هواپیمای ایرانی از سوی یکی از طرفین محاصمه در منطقه «خان کندی» ساقط می‌شود. مسافران این هواپیما خانواده‌های دیپلمات‌های ایرانی بودند که شب عید نوروز از مسکو به ایران بر می‌گشتند. این حادثه دلخراش منجر به کشته شدن ۳۲ نفر از مسافران این پرواز شده و ۲ نفر از این مسافران که کودک بودند، به همراه مادران خود در یک مزار به خاک سپرده می‌شوند.

اکران این مستند بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و مطبوعات جمهوری آذربایجان داشت به طوری که خبر نمایش این فیلم با محوریت قرهباغ سرتیتر روزنامه‌ها و سایت‌های جمهوری آذربایجان شد.

این مستند در تبریز نیز با حضور اصحاب رسانه و مطبوعات در هتل پارس تبریز نیز به نمایش درآمد و محسن هادی سازنده این مستند به سؤالات خبرنگاران در این خصوص پاسخ داد. محسن هادی علاوه بر ساخت این مستند، ساخت مستندهایی چون «اریکان؛ رهبر اسلام‌گرای ترکیه»، «پیش‌مرگان»، «مستند تبریز» و چند مستند دیگر در کارنامه خود دارد.

متن گفت‌وگو با این هنرمند تبریزی را در ادامه می‌خوانید.

علت اصلی انتخاب موضوع قرهباغ چیست؟

جنگ قرهباغ برمی‌گردد به دوران کودکی من که در آن دوران جنگ قرهباغ و بوسنی هم‌زمان بود و در منطقه ما سر آن بحث می‌شد، از همان زمان دغدغه‌هایی در ذهن من در قبال جنگ بوسنی و هم جنگ قرهباغ ایجاد شده بود که در هر ۲ جنگ به مسلمان‌ها ظلم‌هایی شد.

بالاخره سال‌ها از آن موضوع سال‌ها گذشت تا اینکه من مستندساز شدم، اما با این وجود مسئله قرهباغ هنوز تمام نشده و هر از گاهی درگیری‌هایی می‌شود، همیشه در این فکر بودم که مستندی در این باره خواهم ساخت و برابرم سؤال بود که در آنجا چرا جنگ شد؟ ریشه‌های جنگ چه بود؟ و اینکه در این جنگ کشور ایران در کدام نقطه قرار گرفته بود؟! به لحاظ اینکه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی خواندم برایم خیلی اهمیت داشت، چراکه منطقه قفقاز منطقه‌ای متشکل از چند قوم و زبان در کنار هم بود که باهم زندگی می‌کردند و در تاریخ‌های بسیار دور نیز چند قوم در این منطقه حضور داشتند و در تاریخ معاصر هم می‌بینیم که جنگ بزرگی در این منطقه شکل گرفته که ریشه‌های قومیتی داشته آن‌چنان‌که دیده می‌شود و در رسانه‌ها گفته می‌شود ارمنی‌ها و مسلمان‌ها باهم درگیر هستند.

چه زمانی این کار را شروع کردید؟

با همه مسائلی که در ذهن داشتم جرقه این کار زمانی شروع شد که در تهران از وجود چند مزار در امامزاده چیدر تهران مطلع شدم و این سؤال در ذهن من ایجاد شد که تهران کجا و قرهباغ کجا؟ بارها شنیده بودم که ایران در قرهباغ شهید دارد و البته هر کسی روایتی مختلف در این رابطه می‌گفت اما آن روز با چشم‌های خودم مزار ۲ مادر در کنار ۲ فرزندش را دیدم که روی مزار نوشته شده بود محل شهادت: قرهباغ! تاریخ هم همان تاریخ جنگ بود.

از همان نقطه شروع کردم و به بنیاد شهید رفتم به نتایج کمی دست پیدا کردم پس از ماه‌ها جستجو جز نام شهدا و علت شهادت که سقوط هواپیما بود چیزی پیدا نکردم، بالاخره مطلع شدم یکی از اهالی رسانه که در نشریه «توران خبر» سردبیر هست، زمان سقوط هواپیما اولین نفری بود که خبر را منتشر کرده است، پس از ملاقات با این فرد بسیاری از درها به روی من گشوده شد.

طبیعتاً وقتی این سؤال را پیدا کردم که چگونه شهید شدند سؤالات اصلی پیش آمد در خصوص چگونگی و کیفیت جنگ بود که نتیجه جستجوها در فیلم به نمایش گذاشته شده است.

بالاخره از ۳۲ شهید حادثه تنها ۴ مزار در امامزاده چیدر پیدا کردم و شهدایی که یافتیم خانواده دیپلمات‌های ایرانی در مسکو بودند که شب عید با هواپیما از مسکو به ایران می‌آمدند اما به دلیل گم کردن مسیر وارد منطقه جنگی شده بودند و با توجه به وضعیت آشفته، به نوعی قربانی جنگ قرهباغ شدند و با توجه به اینکه آن روزها عید بود و نشریات تعطیل بودند گردوغبار تاریخ بر روی این حادثه نشسته است، آن روزها تنها روزنامه جمهوری اسلامی این خبر را در کشور منتشر کرده است.

فیلم مستند خوشبختانه مستند است و باید سند ارائه شود، آن چیزی که ما یافتیم مسائل و مواردی بود که در مورد شهدا در فیلم ارائه شده و تلاش کردیم این شهدا را از غربت خارج کنیم، تصور می‌کردم در باکو یا یادبودی برای این شهدا روبه‌رو خواهم شد اما در باکو به هر کسی این ماجرا را می‌گفتم تعجب می‌کرد حتی در ایران کسی از این ماجرا مطلع نبود در باکو هم تنها آن خبرنگار مطلع بود.

شوشا قربانی شد تا مذاکرات تهران به نتیجه نرسد

در مستند «روز کم آب ارس» بیشتر به چه مسائلی پرداخت شده است؟

در فیلم ماجرای جنگ و ریشه‌های جنگ و نوع زندگی مردم بررسی می‌شود، مثل همه ما که در ایران زندگی می‌کنیم آنجا هم همه اقوام در کنار هم بودند و در مناسبات همدیگر شرکت می‌کردند اما در ۱۹۸۸ آن فجایع اتفاق افتاد، حادثه «خوجالی» یک نمونه از این فجایع است.

در این بین نقش حمایتی ایران از مردم منطقه قرهباغ در این فیلم با اسناد ارائه شده است، ایران از طریق دیپلماسی نیز حضور داشت که در مسئله قرهباغ مهم‌ترین نقش ایران،

نقش دیپلماتیک بود که اولین بار آتش‌بس در قره‌باغ با تلاش‌های ایران حاصل شد درحالی‌که روسیه و ترکیه و چند دولت دیگر تلاش کردند اما نشد، پس از حادثه «خوجالی» ۳ روز آتش‌بس اعلام شد تا پیکر جان‌باختگان «خوجالی» جمع‌آوری شود بالاخره پس از طی چند مرحله با توجه به اینکه برقرار کردن صلح بین ۲ کشور در عرصه دیپلماسی کار بزرگی است، دیپلماسی ایران جواب داد و در تهران قرارداد صلح امضا شد، اما همان شب همه معادلات به هم خورد و به خاطر برخی خیانت‌ها روستای قلعه مانند شوشا که شاید با ۳۰ نفر هم می‌شد آنجا را حفظ کرد سقوط می‌کند و نتیجه این شد که مذاکرات تهران شکست خورد.

همه صاحب‌نظران بر این معتقد هستند که عملاً شوشا قربانی شد تا مذاکرات تهران به نتیجه نرسد چراکه اگر جواب می‌داد شکست بزرگی برای قدرت‌های محسوب می‌شد، هرکدام نقش خود را ایفا کردند و شوشا را قربانی کردند تا مذاکرات تهران به نتیجه نرسد. خود مردم جمهوری آذربایجان می‌گویند که اگر ایران نبود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت در نخجوان از گرسنگی می‌مردند برای پیدا کردن اسناد بیشتر سراغ مسؤولان و دستگاه‌های حاضر در آن زمان رفتید؟ برای ساخت این فیلم و جمع‌آوری اسناد بیشتر تلاش‌های بسیاری کردم و آقای واعظی وزیر ارتباطات این دولت که در آن زمان از طرف ایران نقش مستقیمی داشت رفتن و جا دارد که گلابه‌ای هم داشته باشم که هیچ‌گونه پاسخی به درخواست‌های من ندادند و حتی نگفتند که صحبت نمی‌کنیم، کاش می‌آمدند و موضع رسمی آن زمان ایران را می‌گفتند.

درحالی‌که می‌دانیم ایران اولین کشوری است که کمک‌های بشردوستانه را به آذربایجان ارسال کرد و همان‌گونه که دیدید در فیلم به این مسئله اشاره می‌شود و خود مردم جمهوری آذربایجان می‌گویند که اگر ایران نبود ۳۰۰ هزار نفر جمعیت در نخجوان از گرسنگی می‌مردند. چراکه در محاصره بودند تنها راه ارتباطی با ایران بود، تا چند سال قبل کمیته امداد و هلال احمر در آن منطقه دفتر داشت اما متأسفانه با وجود ماه‌ها تلاش هیچ‌کدام همکاری نکردند اگر این همکاری‌ها انجام می‌شد قطعاً مستند در یک قسمت تمام نمی‌شد، چراکه کمک‌های ایران بیش از آن چیزی هست که در این مستند آورده شده است، البته تا آنجایی که نیاز مخاطبین هست در این فیلم مستند ارائه شده است.

برای ساخت این مستند سراغ صدا و سیما استان رفته‌ام و در این عرصه هر آنچه از دستشان برمی‌آمد انجام دادند اما متأسفانه فیلمی در این مورد در آرشیو صدا و سیما مرکز تبریز نمانده بود اما با این وجود جا دارد از تعامل بسیار مثبت در این مسیر قدرانی کنم. با توجه به اینکه اصولاً در آن زمان باید اسناد و مدارکی در استانداری موجود بوده باشد به استانداری آذربایجان شرقی هم رفته‌ام، متأسفانه اسناد و مدارکی را نتوانستیم به دست بیاوریم، البته در طول این دوران به این نتیجه رسیدیم که رفتن پیش مسؤولان بیشتر کار را پیچیده‌تر می‌کند. با ساخت این مستند، سعی کردیم لکنت زبان رفع شود تا بدانند در این مورد هم می‌توان صحبت کرد و به‌نوعی این فیلم قدم اول را برداشته تا صحبت شود و سکوت‌ها شکسته شود.

چه زمانی این مستند رونمایی شد و در کجاها به نمایش درآمده است؟ این مستند برای اولین بار در تبریز در مراسمی با موضوع سالگرد «خوجالی» در حضور میهمانان جمهوری آذربایجان و فعالان فرهنگی ایران رونمایی شد، سپس دوم مرداد سال 1396 طی مراسمی در مرکز بین‌المللی مطبوعات باکو در حضور فعالان فرهنگی و رسانه‌های جمهوری آذربایجان رونمایی شد و استقبال بی‌نظیری از فیلم شد به طوری که ما تنها در صفحه فیسبوک خودم و عاکف نقی اطلاع‌رسانی کرده بودیم اما با این وجود افراد و چهره‌های بزرگی در این مراسم شرکت کردند. در آذربایجان کانون‌هایی وجود دارد که گاهی به بهانه‌های تلاش می‌کنند ایران را متهم کنند و علیه ایران تبلیغ می‌کنند و واهمه‌ای از کارهای خود ندارند و در مقاطعی تأثیرگذار هستند، البته منتظر بودیم تا پس از نمایش این فیلم حرکتی از خود نشان دهند اما سکوت کردند. چون با توجه به اینکه چند روز پیش طی اصابت خمپاره به یک خانه دختر کوچکی به نام زهرا به شهادت رسید و حادثه شهادت این دختر کوچک غم‌انگیز بود اما در کنار این حادثه یک طوفان توییتری شروع شد و شبکه‌های اجتماعی در این رابطه بسیار نوشتند که بیش از نیمی از این توییت‌ها علیه ایران بود و ایران را متهم می‌کردند که ایران از ارمنستان حمایت می‌کند.

همه می‌دانند که این بحث دائماً وجود دارد و بر روی آن تبلیغ می‌کنند و البته من این حق را به مخاطب می‌دهم چون نمی‌دانند! من نیز تا زمانی که این فیلم را نساخته بودم نمی‌دانستم و برایم جای سؤال بود که ایران کجای این مسئله قرار گرفته است، جز یکسری کلی‌گویی‌ها که قانع‌کننده نبود چیزی نمی‌دانستم، کار کردن روی این فیلم درواقع کشف حقیقتی برای خود من بود.

و امروز آنچه برای من اهمیت دارد دیده شدن این فیلم است تا مردم هم در ایران و هم جمهوری آذربایجان این فیلم را ببینند و افرادی که علاقه‌مند به متهم کردن ایران هستند و یا به‌نوعی منفعتشان این را ایجاب می‌کند حداقل به زحمت بیفتند و سند ارائه کنند.

اما حقیقت تاریخ چیزی دیگری می‌گوید، در همسایگی ما جنگ شده و ۲ قوم با یکدیگر جنگ کرده‌اند و در این بین وظیفه انسانی ما ایجاب می‌کرده حتی اگر مسلمان هم نبودند کمک کنیم، که این کار را انجام دادیم و تلاش کردیم جنگ خاتمه بیابد.

ایران در جنگ قره‌باغ ظرفیت بسیاری برای خاتمه جنگ داشت و نتیجه هم گرفت اما دست‌هایی به میان آمد که تلاش کردند تا رابطه ایران و آذربایجان را بر هم بزنند و تا حدودی موفق شدند، چنانکه می‌بینیم مسئله قره‌باغ به دست گروهی به نام «مینسک» افتاده که ۲۴ سال است در بن‌بست گیر کرده است درحالی‌که با توجه به همسایه بودن و داشتن روابط دوستانه و روابط اقتصادی بین ایران و آذربایجان، کشور ایران ظرفیت بالایی برای برقراری صلح در قره‌باغ داشته است، اما عده‌ای دوست ندارند این دوستی را ببینند.

در حال حاضر این مستند یک بار پخش شده و پیشنهاد شده در دانشگاه‌های جمهوری آذربایجان پخش شود، تلاش می‌کنیم تا در جشنواره‌ها شرکت بدهیم و همچنین در شبکه‌های تلویزیونی خارجی و داخلی دیده شود.

در زمان نمایش فیلم در باکو عاکف نقی از دوستان من در آذربایجان گفت این یک رویداد تاریخی بین مناسبات ایران و آذربایجان است و این حقیقت دارد چراکه حقایقی از تاریخ گفته شد که اصولاً یا گفته نمی‌شد یا تحریف می‌شد.

امید دارم پیام اصلی این فیلم آنجا شنیده شود و شاهد روابط عمیق ایران و آذربایجان باشیم تا افرادی که درگیری در منطقه به نفع آنان بوده و نمی‌خواهند آرامش در منطقه حکم‌فرما باشد پایشان از منطق کوتاه شود.

روند ساخت فیلم به چه نوعی بوده و چه کسانی در ساخت این فیلم همکاری کردند این فیلم حاصل ۲ سال تلاش و ۱۵ سال دغدغه من است، البته به‌طور جدی یک سال روی این پروژه کار کردیم و اساس بخشی از مستند کشف حقایق است، و فیلم در تبریز، اردبیل و باکو فیلم‌برداری شده و همه افرادی که در باکو با آنها مصاحبه شد افرادی هستند که آن دوران را دیده بودند و همچنین در ایران نیز با ۳ نفر مصاحبه کردم که افراد مؤثری بودند که آن زمان در میدان حاضر شدند.

این مستند به زبان آذربایجانی و زیرنویس فارسی در ۷۰ دقیقه آماده شده و در آینده به زبان‌های روسی و انگلیسی نیز زیرنویس خواهد شد. آهنگسازی این مستند کار بابک خادمی آهنگساز جوان شهرمان است و حدود ۵ شبانه‌روز روی موسیقی این فیلم کار شد چراکه حساس‌ترین نقطه فیلم بخش موسیقی آن است و خوشبختانه بسیار تحسین شد مخصوصاً موسیقی مربوط به فاجعه «خوجالی»، به طوری که آن افرادی که همیشه منتقد هستند موسیقی فیلم را تحسین کردند. تصویربرداری فیلم هم توسط شایان حامد انجام

شده است.

نحوه برخورد مسئولان جمهوری آذربایجان در قبال این مستند چه بود و چه نگرشی نسبت به مستند داشتند؟ زمانی که خواستیم فیلم را آغاز کنیم سراغ کنسولگری آذربایجان در تبریز رفتیم به خوبی با من برخورد کردند و اسناد قابل توجهی ارائه کردند که در این مستند نیز بسیار از آنها استفاده شده است، حتی زمان فیلمبرداری در باکو خبرهای بسیاری از طریق رسانه‌ها در این خصوص منتشر شد که بیشتر با نگاه مثبت به این مسئله نگاه می‌کردند. در آذربایجان علاقه بسیاری به ایران دارند حتی برخی نام فرزندان خود را ایران، تبریز یا تهران می‌گذارند و این یک مسئله رایج است، عموم جامعه اکثریت علاقه‌مند به ایران هستند تنها برخی برخلاف این مسئله فکر می‌کنند که آن‌هم به خاطر بی‌اطلاعی بوده و زمانی که با آنها سخن می‌گوییم قانع می‌شوند، طبیعتاً دشمنان ایران در آنجا علیه ایران فعالیت می‌کنند چراکه دور شدن ایران از آذربایجان به نفع اسرائیل است و تلاش خودشان را می‌کنند اما این نتیجه نخواهد داشت و در آینده بیش‌ازپیش این روابط نزدیک‌تر خواهد شد.

شخصاً از دولت آذربایجان هم تشکر می‌کنم که در زمان فیلمبرداری مستند همکاری کردند و نگاه مثبتی به این مستند داشتند و خواهش می‌کنم این نگاه‌های مثبت ادامه داشته باشد و اینکه در مورد شهدای ایرانی در قره‌باغ حداقل بنای یادبودی در خیابان شهدا ساخته شود.

قصد ساخت مستند دیگری در رابطه با مسئله قره‌باغ و حوادث آن سال‌ها را دارید؟  
ساخت فیلم مستند دوم، بستگی دارد به موضوعات و زوایایی که تازه کشف شده باشند و ایجاد سؤال کنند، برای مثال در فیلم خانمی را مشاهده می‌کنیم که در آن زمان که قصد عبور از رودخانه را داشتند حامله بوده، پس از گذشتن از رودخانه در بیمارستان کلیبر وضع حمل می‌کند و سپس به آذربایجان می‌روند، دوست دارم این کودکان را پیدا کنم و با آنها مصاحبه‌ای داشته باشم.